گزارش

برخوردهای گشت ارشاد در طرح نور به تذکر جدی برای برخی از مسئولان ختم شد

برخوردهای بی‌قاعده

رئیس قوه قضائیه: قطعا ما نمی‌خواهیم هر فردِ کم‌توجه به قوانین در کف خیابان را کیفر کنیم

وحیده کریمی: نحوه برخورد نیروی‌های مشغول به خدمت در طرح جدید گشت ارشاد با انتقادات جدی روبه‌رو شده و ممکن است در روزهای پیش‌رو شاهد اصلاح رفتار برخی مسئولان و مأموران مرتبط با گشت ارشاد باشیم؛ البته اگر تذکرات جدی گرفته شود.

از ۲۵ فروردین که بار دیگر ون‌های گشت ارشاد به خیابان‌ها بازگشتند، شاهد انتشار تصاویری از برخوردهای خشن با دخترانی بودیم که از دید مأموران «حجاب قانونی» را رعایت نکرده بودند. البته با توجه به تصاویر، اولین نکته مشخص‌نبودن تعریف نوع و حدود و ثغور حجاب بود که از یک قاعده مشخص پیروی نمی‌کرد و در یک تصویر حتی دختری که شال بر سر داشت هم با برخورد مأموران آمر به معروف مواجه شده بود. بماند که مجوز برخورد خشن با زنان ایرانی هم با اشکالات قانونی و فقهی روبه‌رو شده و منتقدان، این شدت برخورد را نه عقلانی و نه شرعی می‌دانند و حتی رئیس قوه قضائیه نیز منتقد مجازات زنان در کف خیابان‌ها شده و اصل را جلوگیری از رفتار خلاف شرع دانسته است.

بنابراین هم سردرگمی در تعریف حجاب مورد قبول گشت ارشاد و هم نحوه رفتار مأموران پلیس در یک هفته گذشته، حتی هم‌زمانی پاسخ ایران به اسرائیل و همچنین عدم تصویب لایحه حجاب و عفاف و اجرای یک لایحه‌ای که هنوز به قانون تبدیل نشده، عملکرد آمران به معروف در طرح جدید را با عدم استقبال حتی از سوی برخی اصولگرایان روبه‌رو کرده است.

تاجایی‌که دیروز فضائلی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب از برخورد گشت ارشاد با اصطلاح «رفتار بی‌قاعده» یاد کرده و در شبکه ایکس نوشته است: «برخی مسئولان به دلیل کارهای بی‌قاعده در حوزه حجاب تذکر دریافت کرده‌اند». این جمله به عدم تأیید رفتارهای اخیر گشت ارشاد توسط مقام رهبری تعبیر شده است. همچنین رئیس قوه قضائیه هم روز گذشته صراحتا گفت: «در قضیه عفاف و حجاب و برخورد با هنجارشکنان نیز باید با تدبیر و هماهنگی و همکاری عمل شود؛ قطعا ما نمی‌خواهیم هر فردِ کم‌توجه به قوانین در کف خیابان را کیفر کنیم. در این زمینه ستاد عفاف و حجاب در وزارت کشور مسئولیت‌هایی دارد. همچنین خطاب به دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی برای شناسایی عناصری که به‌صورت سازمان‌یافته مبادرت به هنجارشکنی می‌کنند، تأکیداتی داشته‌ایم. قطعا باید به‌گونه‌ای اتخاذ تدبیر کرد که در قضیه مزبور، از خلاف شرع جلوگیری شود و زمینه سوءاستفاده دشمنان نیز فراهم نشود».

هرچند احمد علم‌الهدی، نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان رضوی، برخلاف نظر منتقدان، در باب موفقیت طرح نور نیروی انتظامی، منتقدان را مغرض نامیده و گفته است: «در جریان اجرای طرح موفق نور که به همت عزیزان نیروی انتظامی در حال اجراست، یک عده افراد ناآگاه و مغرض برای اینکه اسلام را بکوبند، می‌گویند این حرکت یک برخورد زورمندانه است و این‌طور جلوه می‌دهند که بنای نیروی انتظامی بر برخورد و مقابله است؛ نخیر این‌طور نیست. تشکل‌های حجاب و عفاف به همراه طلایه‌داران امر به معروف و نهی از منکر، همراه نیروی انتظامی شده‌اند. اگر پس از تذکر، کسی بایستد و دست به مقابله بزند، راهی جز برخورد با او باقی نمی‌ماند».

البته حمایت علم‌الهدی خیلی دور از ذهن نیست؛ زیرا بازگشت گشت ارشاد به حساب دولت نوشته شده، آن‌هم دولتی که دامادش، رئیس دولت است. به‌تازگی در همین راستا جلیل محبی، دبیر سابق ستاد امر به معروف و نهی از منکر، بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها را از اقدامات دولت نامیده است. او در پاسخ به یک کاربر گفته است: «اون متن مرکز پژوهش‌ها کنار رفت، متن آقای بانکی‌پور تصویب شد که هنوز قانون نشده، این اقدامات هم کار دولت است بر مدار سابق».

غیرعقلایی دانستن رفتارهای اخیر گشت همچنان ادامه دارد و فاضل‌میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم هم در واکنش به بازگشت دوباره گشت ارشاد به خیابان‌ها در شبکه ایکس نوشته است: «روشی که مأمورین در برخورد با بی‌حجابی پیش گرفته و در رسانه‌ها منتشر می‌شود، خلاف شرع و عقل است. از مسائل حجاب است اگر زنان بی‌حجاب منتهی به نهی زبانی نشوند، لزومی برای پوشش نیست. تاکنون این برخوردها نتیجه معکوس داشته. مگر حجاب از ضروریات دین است؟ هویت جامعه اسلامی عدالت اجتماعی و کرامت انسانی است». علی ربیعی، سخنگوی دولت دوازدهم هم نوشته است: «واقعا من درک نمی‌کنم چگونه است که تا مردم ایران، به‌رغم روایت‌سازی‌های مختلف، در مقابله با رژیم اسرائیل حس خوب و غرورآمیزی پیدا می‌کنند، ناگهان جریانی جامعه را به تقابل می‌کشاند.

با همه درک و فهمم از امنیت و منافع ملی، معتقدم شیوه برخورد و اقدامات خیابانی درخصوص حجاب، نه‌تنها به دور از تدبیر است، بلکه نه امنیت‌ساز است و نه مقوم ارزش‌های دینی».

همچنین محمدعلی ابطحی هم در پیامی در فضای مجازی به نقد شرایط موجود پرداخته و گفته است: «... این مبارزه گسترده خیابانی با حجاب اختیاری باعث خوشحالی اسرائیل و مخالفان جمهوری اسلامی شد؟ این هم‌زمانی برخوردهای سنگین تجربه‌شده و ناکام با بی‌حجاب‌ها با حملات گسترده پهپادی به اسرائیل و بیدارشدن غرور ملی و خوشحالی از اینکه آسمان اسرائیل بعد از ۸۰ سال این‌گونه شکافته شد را فقط مبارزه با حجاب اختیاری و درگیرکردن خانواده‌ها می‌توانست خدشه‌دار کند.

اینکه بارها به نفوذ و عوامل دشمن اشاره می‌شود، نمونه‌اش در همین کارها نیست؟ آیا پشت پرده کسانی نیستند که علاقه‌مند باشند حواس‌ها را از جنایت‌های اسرائیل و عمل مهم و موفق و تمیز سپاه پاسداران در پهپادباران‌کردن اسرائیل پرت کنند؟».

البته واکنش‌ها در جریان اصولگرایی هم ادامه داشته و علی قلهکی، فعال رسانه‌ای اصولگرا، در انتقاد به عملگر گشت ارشاد نوشته است: «برآوردم این است که طراحان بازگشت گشت ارشاد (طرح نور) عموما افرادی هستند که در شهرک‌های سازمانی زندگی کرده، در محیط‌های ایزوله سیر می‌کنند و فهمی از فضای عمومی کشور ندارند! تبعات تصمیمات اشتباه آنها را قشر مُتدینی می‌دهند که توسط توده مردم، حامی گشت ارشاد به حساب می‌آیند!».

واکنش‌ها بسیار گسترده است و با توجه به سخنان رئیس دستگاه قضا و پست فضائلی انتظار می‌رود تذکر به مسئولان به رفتار متعادل و تغییر رفتار گشت ارشاد ختم شود. اولین اثر این برخوردها ازبین‌رفتن سرمایه اجتماعی است که مدت‌هاست در حال رنگ‌باختن است و به‌جای ترمیم رابطه دولت و ملت، همچنان در مسیر تخریب رابطه حرکت خواهد شد.

«شرق» در گفت‌وگو با جمالی‌نوبندگانی، دور جدید تحریم‌ها و به موازات آن ادعای حمله اسرائیل به ایران را بررسی می‌کند

همه چیز تمام شد؟

نتانیاهو برای خروج از بحران کنونی به تصاعد تنش با ایران نیاز دارد

عبدالرحمن فتح‌الهی: صبح دیروز جمعه اخباری دال بر فعال‌شدن سامانه‌های پدافندی در اصفهان و تبریز منتشر شد که گمانه حمله اسرائیل را تقویت کرد. البته تل‌آویو رسما مسئولیت این حملات را بر عهده نگرفته است. در این بین غربی‌ها اگرچه با تأکید بر بزرگ‌نمایی این حادثه به دنبال عدم تصاعد تنش در منطقه هستند، اما در سوی دیگر موضوع به شکل دیگری در حال پیگیری است؛ چراکه با توجه به روندهای سیاسی و دیپلماتیک به نظر می‌رسد اکنون غربی‌ها به شکل هدفمند و منظمی به دنبال محدودیت و تحریم جدی ایران هستند؛ اقدامی که به باور طیفی از کارشناسان و ناظران پیش از حوادث صبح جمعه با این هدف در دستور کار قرار گرفته که اسرائیل را از حمله متقابل جدی و شدید به ایران و نهایتا وقوع جنگ منطقه‌ای در خاورمیانه منصرف کند. دراین‌باره بیانیه وزیران گروه ۷ بر «تعهد آنها برای تضعیف توانایی ایران برای دستیابی، تولید یا انتقال تسلیحات» تصریح دارد. ایتالیا نیز قبل از مذاکرات گروه ۷ به طور جداگانه به نفع تحریم‌ها صحبت کرد. هم‌زمان شارل میشل، رئیس اتحادیه اروپا هم در اجلاس سران این اتحادیه طی اظهاراتی تقابلی و ضدایرانی، «انجام هر کاری برای منزوی‌کردن ایران را بسیار مهم دانست و از تحریم‌های جدید علیه ایران، شرکت‌های فعال در تولید پهپاد و موشک خبر داد». از سوی دیگر آلمان، فرانسه و چندین کشور اتحادیه اروپا در پی توسعه طرحی هستند که به دنبال محدودکردن عرضه پهپادها به روسیه و همچنین محدودکردن رسیدن موشک و سایر تجهیزات به دست گروه‌های مقاومت در منطقه غرب آسیا شود. بلژیک از اعمال تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران ایران حمایت کرد، اما اولاف شولتس، صدراعظم آلمان این امر را مستلزم بررسی‌های قانونی بیشتر می‌داند. دیپلمات‌های ارشد اتحادیه هم گفته‌اند این کار تنها در صورتی ممکن است که یک نهاد ملی در اتحادیه اروپا به این نتیجه برسد. اینها علاوه بر آن است که ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و انگلیس روز پنجشنبه، (۳۰ فروردین ۱۴۰۳) در اقدامی تقابلی دور جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کردند. یسرائیل کاتس، وزیر امور خارجه اسرائیل نیز در پیامی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس از نامه به ۳۲ کشور جهان و درخواست از آنها برای اعمال تحریم علیه برنامه موشکی ایران و تروریستی اعلام‌کردن سپاه پاسداران ایران خبر داد. با توجه به آنچه گفته شد، «شرق» در گفت‌وگویی با محمدجواد جمالی‌نوبندگانی به بررسی اهداف این تحریم‌ها و میزان تأثیر آن برای خودداری اسرائیل از آتش‌افروزی و حمله به ایران پرداخته است. این نماینده ادوار و نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در ادامه به موضوع مهم‌تر، یعنی به تحلیل احتمال تغییر دکترین هسته‌ای پس از حمله ادعایی اسرائیل به ایران می‌پردازد که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

●●●

صبح دیروز جمعه با فعال‌شدن سامانه‌های پدافندی در اصفهان و تبریز، یک جریان‌سازی رسانه‌ای در غرب با محوریت بزرگ‌نمایی حمله ادعایی اسرائیل در دستور کار قرار گرفت. جالب اینجاست که رسانه‌های عبری و مقامات تل‌آویو در این زمینه سکوت معناداری در پیش گرفته‌اند. در این بین ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و انگلیس روز پنجشنبه (۳۰ فروردین ۱۴۰۳) دور جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کردند. قبل از آن هم رهبران اتحادیه اروپا چهارشنبه تصمیم گرفتند که تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کرده و برای «تضعیف» توانایی ایران برای دستیابی، تولید یا انتقال تسلیحات، هماهنگی نزدیک داشته باشند. سه‌شنبه گذشته نیز یسرائیل کاتس، وزیر امور خارجه اسرائیل از درخواست برای اعمال تحریم علیه برنامه موشکی ایران و تروریستی اعلام‌کردن یک نیروی نظامی و رسمی ایران خبر داد. این در حالی است که پس از پاسخ ایران به اسرائیل، اکنون موضوع واکنش متقابل تل‌آویو در میان است. اساسا هدف این رفتار تقابلی و تحریم‌ها علیه تهران چیست؟ آیا اروپا و آمریکا سعی داشتند با این تحریم‌ها اسرائیل را از پاسخ ادعایی خود منصرف کنند؟ اگر اتفاق صبح جمعه را همان حمله ادعایی در نظر بگیریم، آیا مؤیدی بر آن است که تحریم‌های غرب مانع از واکنش اسرائیل نشد؟ با این اتفاقات در اصفهان و تبریز آیا غرب هم ماجرا را فیصله‌یافته می‌بیند و پیچ تحریم تهران را سفت‌تر نمی‌کند؟

از ابتدا هم پیش‌بینی می‌شد که تحریم‌های غرب اگرچه با هدف منصرف‌کردن اسرائیل از واکنش متقابل به ایران مطرح شده است، اما نمی‌توانست مانع از اقدامات نتانیاهو شود. حوادث صبح دیروز جمعه در اصفهان و تبریز می‌تواند از دو بُعد مورد تحلیل قرار گیرد؛ اول اینکه این حوادث در اصفهان و تبریز آیا واقعا حمله اسرائیل بوده است که اگر چنین باشد به نظر من مانند حمله بامداد یکشنبه گذشته ایران یک ضربه کنترل‌شده بود که از یک سو پاسخ متقابل داده شود و از طرف دیگر حساسیت و تحریکی برای ادامه واکنش‌ها را به دنبال نداشته باشد. از منظر دوم هم می‌توان گفت که این حوادث نمی‌تواند به مثابه حمله اسرائیل در نظر گرفته شود؛ چون تا به اکنون تل‌آویو از پذیرش مسئولیت آن خودداری کرده است.

اتفاقا نکته اینجاست که چرا واقعا تاکنون تل‌آویو مسئولیت آن را قبول نکرده است؟

عدم پذیرش مسئولیت آن، شاید به دلیل تبعات بعدی باشد. این را هم در نظر بگیریم که این حوادث در اصفهان و تبریز آن‌قدر ضعیف و ناچیز بوده است که واقعا اگر اسرائیل رسما مسئولیت آن را بپذیرد و عنوان کند که این حمله واکنشی به حمله ایران بوده است، اتفاقا بیش از گذشته توان بازدارندگی‌اش زیر سؤال می‌رود. لذا این امکان وجود دارد که تل‌آویو حتی عنوان کند که هنوز حمله ادعایی اسرائیل صورت نگرفته است تا مشروعیت خود را حفظ کند. اگر به سؤال اول شما برگردم، من قدری بدبین هستم و بعید می‌دانم که حتی با حوادث اصفهان و تبریز، تحریم‌های غرب علیه تهران متوقف شود.

چرا قابل پیش‌بینی بود که تحریم‌های بیشتر غرب علیه ایران، اسرائیل را از حمله متقابل منصرف نخواهد کرد؟

چون موضوع به ماهیت حمله ایران بازمی‌گردد که عملا معادلات را در خاورمیانه عوض کرد. ببینید بعد از پاسخ بامداد یکشنبه هفته گذشته، تحلیل‌های متفاوتی در مورد آن صورت گرفت. مقامات اسرائیلی و آمریکایی و کشورهای اروپایی طی یک هفته گذشته سعی کردند که این حمله ایران را محدود و ناموفق نشان دهند، اما اگر واقعیت را در نظر بگیریم، این حمله به شکل دقیقی صورت گرفت و توانست به هدف ترسیم‌شده خود دست یابد. چون حمله مستقیم ایران از خاک خودش به اسرائیل، در عین حال که توانست پاسخ متقابل تهران در برابر حمله به سفارتمان در دمشق را به دنبال داشته باشد، به شکلی انجام شد که کنترل‌شده باشد. یعنی اولا مقام معظم رهبری در سخنرانی عید فطر وعده تنبیه اسرائیل را داده بود و به همین دلیل این رژیم از قبل آمادگی داشت. از طرف دیگر ما چند روز قبل از حمله به کشورهایی مانند ترکیه و عراق برای انجام این حمله خبر داده بودیم. مضافا از طریق سفارت سوئیس به آمریکا هم خبر داده شده بود و از همه مهم‌تر ما چند ساعت قبل از آنکه حمله را عملیاتی کنیم، رسما اعلام کردیم. به همین دلیل نهایت آمادگی برای پاسخ به این حمله وجود داشت و از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران طوری این حملات را انجام داد که به مناطق مسکونی و غیرنظامیان آسیبی وارد نشود یا خسارت‌های شدیدی به بار نیاورد که تحریک جدی طرف مقابل را به دنبال داشته باشد. با این وجود، نکته اینجاست که وقتی ایران از چند روز قبل خبر داده است، کشورهای منطقه آگاه هستند و چند ساعت قبل از عملیاتی‌شدن اسرائیل هم اطلاع یافت که حمله انجام شده است، تمام لایه‌های پدافندی نتوانست حمله ایران را مهار کند و نهایتا تعدادی از موشک‌ها و پهپادهای ما به اراضی اشغالی رسید، آن‌هم در شرایطی که جی‌پی‌اس هم برای گمراه‌کردن پرتابه‌های ایران مختل شده بود. ولی اولین حمله مستقیم ایران از خاک خودش به اراضی اشغالی، نشان داد که ایران می‌تواند حمله‌ای به مراتب شدیدتر و مرگبارتر را با وجود تمام لایه‌های دفاعی و پدافندی از خاک خود مستقیما به اراضی اشغالی انجام دهد. به همین دلیل اینجا بازدارندگی به شکل راهبردی به سمت ایران عوض شده است. در نتیجه اسرائیل اکنون خود را بازنده این معادلات می‌داند و برای اینکه مجددا روند بازدارندگی به یک توازن برسد، حمله متقابل و مستقیم را ناگزیر می‌دید که حوادث صبح جمعه روی داد.

با حوادث اصفهان و تبریز، آن‌گونه که اروپا و آمریکا تلاش دارند می‌توان گفته که موضوع خاتمه پیدا کرده است؟

امیدوارم. اما باید گفت که شخص نتانیاهو در مجموعه‌ای از بحران‌ها غوطه‌ور است و هیچ راهی ندارد جز اینکه تنش با ایران را ادامه دهد تا از فشارها، انتقادها، اعتراض‌ها و بحران‌های کنونی رهایی پیدا کند. به همین دلیل معتقدم که حتی پس از اتفاقات صبح دیروز (جمعه)، بستر بالقوه برای تداوم جنایت‌های اسرائیل وجود دارد. امکان ترور مجدد چهره‌های نظامی و حملاتی مشابه با حمله به سفارت ما در دمشق هست. پس حتی اگر مقامات اروپایی و آمریکایی، چه پس از نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا و چه پس از نشست گروه ۷، بخواهند تحریم‌های شدیدتری علیه ایران اعمال کنند، باز نتانیاهو به فکر تشدید تنش با ایران خواهد بود. یعنی این بستر بالقوه وجود دارد که نخست‌وزیر اسرائیل هر طور که شده مناقشه با ایران را به نقطه‌ای بکشاند که طرف غربی خود را مجبور به جانبداری و حمایت از اسرائیل در برابر ایران کند تا جایی که پای اروپا و مشخصا ایالات متحده آمریکا و حتی ناتو به جنگ با ایران باز شود و اتفاقا به همین دلیل است که اکنون هم دولت بایدن و هم کشورهای اروپایی که حمایت جدی از اسرائیل دارند، در یک هفته اخیر پس از حمله ایران واقعا در تکاپو بودند که هر طور شده از حمله متقابل و مستقیم اسرائیل جلوگیری کنند تا منطقه خاورمیانه وارد جنگ نشود. چون این جنگ به موازات جنگ اوکراین می‌تواند تبعات مخربی را برای کل منطقه و جهان داشته باشد. در نتیجه اروپایی‌ها و آمریکا تا جایی که توان سیاسی و دیپلماتیک‌شان اجازه دهد، به فکر منصرف‌کردن اسرائیل و نتانیاهو هستند و تلاش دارند با این‌دست تحریم‌ها علیه وزارت دفاع، صنعت پهپادی و موشکی و... یا از حمله متقابل اسرائیل جلوگیری کنند یا شدت آن را به شکل چشمگیری کاهش دهند تا در ادامه، ایران خود را مجبور به پاسخ محکم‌تر نبیند و نهایتا جنگی روی ندهد. اینجا می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر حوادث اصفهان و تبریز را منتسب به حمله ادعایی اسرائیل کنیم، شاید واقعا همین تحریم‌های غرب موجب شده است که نتانیاهو از حمله شدیدتر صرف‌نظر کند. پس تا حدی هم تکاپوهای غرب توانسته نتیجه‌بخش باشد، اما در عین حال مانع از انجام اصل حمله نشد.

دراین‌بین احمد حق‌طلب، فرمانده سپاه حفاظت و امنیت مراکز هسته‌ای کشور، در گفت‌وگویی با تأکید بر امنیت کامل مراکز هسته‌ای کشور در واکنش به تهدید اسرائیل هشدار داد که تجدیدنظر در دکترین و سیاست‌های هسته‌ای ایران و عدول از ملاحظات گذشته محتمل است. آیا واقعا این موضع‌گیری نزدیک به واقعیت است و ایران در شرایط کنونی پتانسیل تغییر راهبرد هسته‌ای خود را دارد و گفته‌های فوق نوعی هشدار برای بازدارندگی محسوب می‌شود؟ حوادث صبح جمعه می‌تواند آغازی بر تغییر دکترین هسته‌ای باشد؟

خیر؛ چون آنچه دیروز اتفاق افتاد، حمله جدی نبود و به مراکز هسته‌ای ما هم تعرضی نشد. اما این را هم در نظر بگیریم که با توجه به آنچه در پاسخ به سؤال قبلی شما گفتم، واقعا باید محتاطانه تحلیل کرد؛ چون این احتمال وجود دارد که با حوادث صبح دیروز در اصفهان و تبریز، تجاوزات و شرارت‌های اسرائیل درباره ایران پایان پیدا نکند. تکرار می‌کنم، نتانیاهو برای خروج از بحران کنونی نیاز به تصاعد تنش با ایران دارد. یادمان باشد مقامات اسرائیلی طی یک هفته گذشته یکی از سناریوهای محتمل برای واکنش متقابل را حمله به مراکز هسته‌ای ایران اعلام کرده بودند؛ درحالی‌که طبق قوانین بین‌المللی، حمله به مراکز هسته‌ای دیگر کشورها در هر شرایطی ممنوع است. البته اسرائیل ید طولایی در قانون‌شکنی و نادیده‌گرفتن اصول و قواعد و حقوق بین‌المللی دارد. در نتیجه این احتمال بالقوه هست که حتی با وجود حوادث صبح جمعه، اسرائیل طبق تهدیدش، حمله به مراکز هسته‌ای ایران را پی بگیرد؛ کمااینکه اسرائیل سال‌ها قبل به مراکز هسته‌ای عراق حمله کرد و همچنین این رژیم در سال‌های اخیر هم علاوه بر ترور دانشمندان هسته‌ای و سرقت اسناد هسته‌ای کشورمان، چندین و چند مرتبه دست به خرابکاری هسته‌ای در ایران زده است. حالا باید دید که پس از حوادث صبح جمعه موضوع خاتمه پیدا کرده است یا خیر؟ من در این زمینه به اسرائیل اطمینانی ندارم که بخواهد تنش را در این نقطه متوقف کند. در نتیجه آنچه سردار حق‌طلب گفته، حتی اگر جنبه عملیاتی به خود نگیرد و ایران به دنبال تغییر دکترین هسته‌ای نباشد، در شرایط کنونی باید این دست موضع‌گیری‌ها و هشدارها به اسرائیل داده شود. مضافا من واقعا این گفته‌ها را فقط موضع‌گیری‌هایی از بازدارندگی یا تلاش برای منصرف‌کردن اسرائیل از حمله به مراکز هسته‌ای ایران نمی‌دانم؛ واقعا اگر اسرائیل چنین اشتباه فاحشی را انجام دهد و حمله به مراکز هسته‌ای ایران را در دستور کار خود قرار بدهد، جا دارد جمهوری اسلامی ایران هم تغییر دکترین هسته‌ای را پیش ببرد.

و این توان وجود دارد؟

بله، این توان وجود دارد.

حتی در شرایط کنونی؟

حتی در شرایط کنونی.

جناب نوبندگانی، آنچه درباره تغییر دکترین هسته‌ای در صورت حمله اسرائیل به مراکز هسته‌ای ایران مطرح شده است، می‌تواند مبنا قرار بگیرد؟ در نظر داشته باشیم که نه محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران و نه حتی بهروز کمالوندی، سخنگوی این سازمان، چنین موضع‌گیری نداشته‌اند.

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. اتفاقا چون این مواضع از زبان یک شخص مهم در حوزه نظامی، اطلاعاتی و امنیتی بیرون آمده است، بیشتر می‌تواند مستند باشد و ملاک تحلیل قرار بگیرد؛ یعنی به نظر من حتی اگر محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی و بهروز کمالوندی، سخنگوی این سازمان، چنین ادعایی را مطرح می‌کردند، به اندازه گفته‌های سردار احمد حق‌طلب نمی‌توانست جدی باشد.

این جمله پایانی شما برای من بسیار جالب بود. به چه دلیل یا دلایلی تصور می‌کنید گفته‌های سردار حق‌طلب مهم‌تر از محمد اسلامی و بهروز کمالوندی باشد؟

چون اگر اسرائیل طبق برخی احتمالات، ادعای خود دال بر حمله به مراکز هسته‌ای ایران را کلید بزند و عملیاتی کند، واقعا شرایط به سمتی پیش خواهد رفت که به نظرم، نه چهره‌های سیاسی مانند رئیس سازمان انرژی اتمی بلکه چهره‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی روند پیش‌رو را تعریف، تبیین و عملیاتی می‌کنند.

پس احتمال می‌دهید کار از دست سیاسیون خارج شود؟

بله، البته این مشروط بر آن است که آیا با حوادث صبح جمعه، موضوع خاتمه پیدا کرده یا نه؟ آیا در ادامه کار، نتانیاهو و اسرائیل چنین اشتباه بزرگی را در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران انجام خواهند داد؟ و اگر این حمله انجام شود، با چه شدتی و با چه اندازه گستردگی خواهد بود؟ البته موضوع تنها حمله مستقیم نظامی نیست؛ در سایه هرگونه تلاش اسرائیل برای ترور دانشمندان، خرابکاری هسته‌ای و نظایر آن واقعا جا دارد ایران بازدارندگی خود را داشته باشد.

در حالی موضوع احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران مطرح شده است که محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی هم از سفر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به ایران خبر داده است. این سخنان ممکن است در وضعیت پرونده هسته‌ای تأثیر داشته باشد؟

اولا همان‌طور که گفتم، تغییر دکترین هسته‌ای صورت نگرفته و بعید است که با حوادث کم‌اهمیت صبح جمعه نیز چنین تغییری صورت گیرد. می‌گویم اگر رژیم اسرائیل دست به چنین اشتباه بزرگی بزند و حمله به مراکز هسته‌ای ایران را کلید بزند، آن زمان تهران می‌تواند به فکر تغییر دکترین هسته‌ای باشد. از طرف دیگر شما به سفر رافائل گروسی به ایران اشاره کردید که اتفاقا به نظر من در این برهه حساس می‌تواند مثمرثمر باشد.

چطور؟

مسئولان کشور و به‌ویژه مقامات وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی باید مذاکراتی بی‌پرده، صریح و قاطع با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشند تا گروسی در مقام مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فشار لازم را برای ممانعت اسرائیل از حمله احتمالی به مراکز هسته‌ای ایران داشته باشد.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

نقدی درباب دیدار نوروزی خانه اندیشمندان

رنج از ما خاطره از شما

هومن قشلاقی‌آذر
وکیل پایه یک دادگستری

آنچه در روزها و هفته‌های گذشته دغدغه برخی از حیث برگزاری مراسم‌های صنفی بود، برگزاری برای عموم و پرهیز از هرگونه گزینشی و سالار جلوه‌دادن برخی بر دیگری بود که حکایتی بس طولانی در نظام‌های مبتنی بر طبقات و گزینش‌های جناحی و قائل‌شدن مزیت شخص بر شخص و در وسعت جهانی است که تاریخچه‌ای طولانی در مبارزات بشری برای یک زیست برابر از هر حیث با همنوع خود دارد. این قائل‌شدن مزیت از هر حیث و نظر، خواه در اعطای فرصت‌ها و خواه در ساخت چهره از طریق بلندگوها برای طبقات اجتماعی که خود آن نیز محصول رویکرد و نگاه طبقه‌ای و توجیه عدم این امر با عناوینی مانند کسوت، ثروت، خدمت، شهرت و امثالهم است که سلسله‌وار موجبات تضییع همواره و پی‌درپی طبقه فرودست که مقصود فاقد امکانات است و هرچه بیشتر دورشدن از امکانات را فراهم می‌آورد، زیرا با ایجاد چنین مفروضاتی که متعاقبا محقق می‌شوند، امکانات و فرصت‌های عملا ویژه برای عده‌ای خاص می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی ممکن است این تلقی در ذهنیت محروم‌شدگان از امکانات نیز پدید آید که درواقع شاید حقی بوده است که آنان (طیف دارا) استحقاق آن را داشته‌اند و ما نداریم؟! و این نهادینگی غلط ذهنیتی موجبات بروز حالت ایستایی در حرکت و توقف هرگونه بروز حتی مخالفت اندک و نقد را پدید می‌آورد. تقسیم‌بندی اِلیت و عوام، فریب بزرگ در پیدایش این ذهنیت بود که ویژه‌خواری و ویژه‌خواهی و بروز یک سلسله طبقاتی در هر نهاد یا سیستم و کلونی انسانی را در طول تاریخ پدید آورد که با بودن همواره بلندگو و تریبون در دست افرادی که همواره صاحب تریبون بوده‌اند و قائل به واگذاری آن نبودند و گویی که انگار در هر مکان و زمان ایشان و شخص شریف باید حضور داشته باشد و این خود نوعی از اِلمان‌ها و نشانه‌های طبقه‌سالاری است که در طول سال‌ها و با تکرار به حالت استمرار ناخواسته و رکود حرکتی را باعث شد. این تلقی که حتما حقشان بوده که داشتند یا حتما موجبی هست که آنها دارند و ما نداریم، توجیهی است که بر اثر تداوم و تکرارِ بودن ابزار در دست یک طیف خاص برای غیر آن طیف خاص تبدیل به ذهنیت نهادینه شده است. خاطره‌گویی از ویژگی‌های قشر خاص است که موجبات شیفتگی و شیدایی را در شنونده و در افراد غیر از خود عامدانه پدید آورد تا موجبات حرکت به عقب و در بهترین حالت سکون، ایستایی و بازماندن از حرکت به جلو را پدید آورد. حقیقت امر در این است که خاطره و آرزو دو بخش عمده در زندگی هر انسان هستند و تقویت هر یک موجب تضعیف دیگری حتی در شنونده با غرق‌شدن در خاطرات گوینده و بازماندن از حرکت و بروز حالت ایستایی برای خود است. آرزو باعث حرکت است و خاطره در گذشته درجازدن است. ای وای به زمانی که خاطره متعلق به شخص دیگری باشد که در خاطرات او همزادپنداری کنیم؛ گو اینکه صاحب اثر خودمان بودیم و به آن اندک قناعت کنیم. نبودن طرحی برای آینده و جایگزین‌کردن این خلأ که مبادا برای شنونده آرزو شود و اقدام کند پس با بیان خاطرات گذشته راه برون‌رفت و پاک‌کردن صورت‌مسئله انجام می‌شود که سال‌ها و قرن‌ها در کلونی‌های انسانی شاهد آن بوده‌ایم. در نشست دیدار نوروزی خانه اندیشمندان بخش بیان خاطرات نوروزی گنجانده شده است! مشخص نیست که تئوریسین این طرح کدام شخص بوده است، اما دو نکته را معطوف به خود می‌کند:

۱- فایده این خاطره‌گویی چیست و چه تأثیری در یک حرکت و تبدیل پتانسیل نهفته بالقوه به بالفعل دارد و شنوای خاطرات سایر افراد چه حاصلی برای مستمعین دارد؟!

ادامه در صفحه ۳